

تدوین الگوی حکمرانی بهینه در ورزش ایران

ماندانا رسولی

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی صورت پذیرفته باهدف شناسایی عوامل حکمرانی بهینه در ورزش ایران نگاشته شد. این تحقیق از منظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی بود که به شکل میدانی در دو ساختار حاکمیتی عمده نظام ملی ورزش کشور یعنی وزارت ورزش و جوانان (در بخش دولتی) و کمیته ملی المپیک (در بخش غیر دولتی) به اجرا درآمد. جامعه آماری تحقیق شامل دست اندرکاران ورزش در دو بخش دولتی (وزارت ورزش و جوانان) و غیر دولتی (نهاد عمومی غیر دولتی/ کمیته ملی المپیک) بودند. نمونه گیری در مجموع به صورت کل شمار انجام شد و (از $N=200$) در نهایت ۱۵۰ پرسشنامه کامل و صحیح مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار پژوهش شامل بررسی اسناد و مدارک، پرسشنامه محقق ساخته بر مبنای "اصول اساسی جهانی حکمرانی بهینه در المپیک و سازمان‌های ورزشی" ارائه شده توسط کمیته بین المللی المپیک (۲۰۰۸) و مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. روایی و پایایی پرسشنامه به تأیید اساتید متخصص و آزمون‌های مربوطه رسید و میان نمونه تحقیق توزیع شد. نتایج تحقیق نشان داد که هفت عامل "انسجام و استقلال درونی"، "حاکمیت قانون"، "مسئولیت پذیری"، "شفافیت"، "پاسخگویی"، "مشارکت و دموکراسی" و "انضباط" به عنوان عوامل اصلی حکمرانی بهینه در تعاملات روابط بین‌المللی ورزشی مورد تأیید است و تمامی گویه‌های مربوط به عوامل شناسایی شده در تعاملات بین‌المللی ورزشی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک دخیل هستند. تحقیق نشان داد بین عوامل حکمرانی بهینه موثر در تعاملات بین‌المللی ورزشی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک دارای نظم سلسله‌مراتبی معنی‌داری است ($\chi^2=78/58, Sig=0/01$). در این مورد بالاترین میزان اولویت مربوط به «انسجام و استقلال درونی» و پایین‌ترین میزان اولویت مربوط به «انضباط» است. در نهایت، نتایج نشان داد که همه عوامل شناسایی شده از مقدار T و بار عاملی قابل قبول و مثبتی برخوردارند: انسجام و استقلال درونی ($\lambda=0/866$)، شفافیت ($\lambda=0/850$)، پاسخگویی ($\lambda=0/793$)، انضباط ($\lambda=0/781$)، مسئولیت پذیری ($\lambda=0/709$)، حاکمیت قانون ($\lambda=0/651$) و مشارکت و دموکراسی ($\lambda=0/613$) و بعنوان عوامل حکمرانی بهینه موثر در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک محسوب می‌شوند. با برآزش مدل تدوین شده نیز مشخص شد که شاخص‌های برآزش مدل از مقدار قابل قبول و مطلوب برخوردار بوده و مدل تحقیق تأیید می‌شود.

کلمات کلیدی: حکمرانی بهینه، ورزش ایران

مقدمه

واژه حکمرانی، واژه جدیدی است که به جای واژه قدیمی «دولت» معنا و مفهوم بکار می‌رود. بانک جهانی، حکمرانی را به صورت ذیل تعریف می‌کند: «روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود». توانمندسازی دولت، مفهومی است که اخیراً وارد ادبیات توسعه اقتصادی شده و در برابر دیدگاه‌های پیشین توسعه، دولت بزرگ و دولت کوچک را عامل توسعه نمی‌داند بلکه باور بر این است که جدای از اندازه دولت، توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد. دولت‌ها می‌توانند با تقویت نهادهایشان، توانمندی خود را بهبود بخشند. این امر مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد تا طبق منافع جمع عمل کنند (مبارک و آذریپوند، ۱۳۸۸). کافمن و همکارانش^۱ در بانک جهانی برای بیان حکمرانی شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت را بیان کردند و باور بر این است که هر قدر در کشور، دولت پاسخ‌گوتر، کارآمدتر بوده و از ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌های کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر برخوردار باشد، تلقی بر آن است که حکمرانی بهینه برقرار می‌باشد. حکمرانی سیستمی است که توسط آن سازمان‌ها مدیریت و اداره می‌شوند. این مفهوم بر چگونگی رسیدن سازمان بر اهداف خود، نوشتن قوانین و مقررات، فرآیندهای تصمیم‌گیری سازمانی، تعیین ابزارهای بهینه‌سازی و نظارت بر عملکرد، چگونگی نظارت و ارزیابی ریسک شامل و اثرگذار است. مدیریت ورزش نیز از جمله حوزه‌هایی است که به‌طور مستقیم از اعمال حکمرانی بهینه تأثیر می‌پذیرد، و از نظر عموم پذیرش شده است که ساختارهای حکمرانی تأثیر قابل توجه بر روی عملکرد سازمان‌های ورزشی دارد. در ۲۰ سال گذشته ورزش به‌طور چشمگیری تکامل یافته و رویدادهای ورزشی بزرگ میلیون‌ها بیننده و صدها هزار نفر از هواداران را به خود جلب کرده و برای مجریان مسابقات تولید درآمد قابل توجه داشته است. نقل و انتقال ورزشکاران حرفه‌ای نیز زمینه تجاری شدن ورزش را فراهم ساخته است. حمایت‌های مالی و فعالیت تجاری نیز به صورت تصاعدی رشد کرده و به همین تناسب علاقه رسانه‌ها به ورزش نیز روز به روز افزایش یافته است. رقابت‌های نخبگان ورزشی، تغییر سبک زندگی و دیگر ابتکارات به ترغیب مشارکت مردمی در ورزش کمک کرده و زمینه خودگردانی ورزش را فراهم ساخته و رفته رفته نقش دولت‌ها در سرمایه‌گذاری و تصمیم‌سازی سازمان‌های ورزشی کمرنگ‌تر شده و زمینه خودگردانی سازمان‌های ورزشی را سرعت بخشیده است (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر، با گسترش ارتباطات بین جوامع در عرصه بین‌الملل و همکاری و توافقات در قالب نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان کنشگران جدید، فصلی نوین در چهارچوب تعاملات و روابط بین‌المللی گشوده شد که عمدتاً متمرکز بر روابط بین دولت‌ها بود (مصفا و امین منصور، ۱۳۹۱). سال‌ها بعد از اینکه دولت‌ها شکل گرفت (۱۶۴۸)، بازیگرانی غیردولتی نیز به وجود آمدند، که حاکمیت آن‌ها را تحدید می‌کردند. این بازیگران، انحصار نقش دولت‌ها را در عرصه بین‌المللی شکستند. پیوند اجتناب‌ناپذیر ورزش با سیاست، نشان داد که ورزش یک ابزار حاشیه‌ای در روابط بین کشورها نیست، بلکه حتی می‌تواند نقش سازنده‌ای را در روابط بین‌المللی بازی کند (کاظمی، ۱۳۷۸؛ گودرزی، ۱۳۹۱). ظریف و همکاران (۱۳۹۳) پویایی مفهوم

¹ . Kauffman et al.

کارکرد سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در قالب طبقه‌بندی مراتب چند جانبه و سازو کارهای آن و روش مناسب برای تقسیم نهادها و محیط‌های کاری دیپلماسی چند جانبه حسب حوزه، اهداف، وظایف، فعالیت، موسسین، محدوده عضویت بیان داشته؛ به کارکردهای دیپلماسی چند جانبه، (همچون دیپلماسی ورزش)، در صحنه جهانی از منظر حوزه ملل متحد، ارکان آن و نیز خارج از این سازمان به تفصیل اشاره می‌دارند. در این رابطه وینسنت و جدی (۲۰۱۱) دیپلماسی ورزشی را مفهومی پویا دانسته و با عنایت به توان ایفای نقش تعاملات بین فرهنگی در ذات ورزش، دیپلماسی ورزشی را نوعی دیپلماسی فرهنگی تلقی می‌کنند. مجموعه مصادیق برشمرده موید آن است که به دلایل متعدد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی امروزه، لزوم شناخت نظامهای حاکمیتی، سازمانهای مرتبط و خط مشی های مورد تعقیب این نهاد ها، امری ضروری محسوب شده و این امر به لحاظ نقش آفرینی و کنشگری و عرضه و نمود حوزه های ملی در قوالب در تعاملات و معادلات بین المللی تعیین گر تلقی می شود. از آن جا که تعمیم اصول حکمرانی بهینه از پس از تاکید در اهداف هزاره سوم در ادبیات برنامه ریزی نظام ملل متحد و نهادها و سازمانهای متصف به آن (از جمله ورزش با توصیه کمیته بین المللی المپیک) در حوزه های مختلف کارکردی مورد توجه واقع گردید لذا نیاز به شناخت وضع حاضر در معنا پذیری محورهای حکمرانی در مولفه های مدیریت ملی جهت آگاهی از چگونگی مسیر سازی همگام با تحولات و مشی های بین المللی بدیهی به نظر می رسد .

این تعاملات در تغییر شکل با ماهیتی در زمانی (قریب ۳۶۰ سال) از جنگ به موازنه قوا و سپس دیپلماسی و بصورت اخیرتر ایجاد همکاری انجامیده و فرض مطلق بودن حاکمیت به شکل تدریجی و مستمر به چالش کشیده شده و در نتیجه راه برای مداخله در امور داخلی دولتها با گره خوردن شناسایی آنها با معیارهایی همچون مردمی بودن، رعایت حقوق بشر، دموکراسی و امثال آن از یکسو و شکل گیری نهادهای بین المللی و فراملی و از سوی دیگر، در شکل نظام یافته در انتقال اقتدار دولتها به نهادهای فراملی باز و این امور تقسیم پذیر گردید.

در حقیقت، با گسترش ارتباطات بین جوامع و دولتها در عرصه بین‌المللی و ضرورت درک متقابل و تحکیم روابط در چارچوب‌های حقوقی، به تدریج ترتیبات فراملی و چندجانبه در قوالب تعاملات بین «دولت با دولت»، «دولت با بخشهای غیر دولتی»، «دولت با ترتیبات فراملی» و «ترتیبات فراملی با یکدیگر»، به عنوان وسیله‌ای برای تسهیل مذاکره، همکاری و پیگیری توافقات در قالب نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان کنش‌گران جدید شکل گرفته و در این روند گفتگوها، سیاست‌ها و عملکرد این نهادها و سازمان‌ها و جلب توجه جامعه جهانی باعث بروز واکنش‌هایی در جوامع گشته که از طرق مختلف از مناظر متفاوت مورد تحلیل قرار می‌گیرند (مصفا و منصور، ۱۳۹۰؛ رضایی ۱۳۸۷).

مولفه های اصلی مبانی نظری حکمرانی مبتنی بر تفسیر پارادایم نقش دولت و حکومتها و در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی شکل گرفت، مفهومی که از رویکرد اقتصادی (در بانک جهانی) نشأت گرفت با توجه به حضور دولت به عنوان یکی از عناصر قوی و با کیفیت رویکرد سیاسی به خود گرفته و سپس با اصالت دیگر بازیگران جامعه مدنی ماهیت اجتماعی یافته و در راستای توسعه پایدار تلقی شد (احمدی بهشت، یوسفی بهرام، عبدی حسین ۱۳۹۶) لذا حکمرانی بهینه در جستجوی تعیین شاخص و سنجش مجموعه ای نامگر برای این سنجش است پس در محیطهای مختلف با رویکردهای متفاوت شاخصهای متناسب با ساختار و سازمانهای عامل و ماموریتهای آنها در نظر گرفته می شود .

در همین رابطه مصوبه بند پنج قطعنامه شماره ۵۵/۲ ملل متحد مشهور به قطعنامه هزاره سوم (۲۰۰۰) که حصول معیارهای بر شمرده (شفافیت، دموکراسی، تساوی و...) را در قالب حکمرانی بهینه اشعار می نماید، الهام بخش مصوبات بسیار دیگری در عرصه ورزش شده است. این روند و مصادیق اجرایی سازی آن پس از تصویب سند توسعه پایدار^۲ (SDG) نیز همچنان با تبیین اولویتهای محورهای بنیادی حکمرانی بصورت جهانی و سیاستهای متخذه به روز، در مقاطع زمانبندی مشخص با امکان بومی سازی عوامل کماکان روندی فعال و پویا و مورد تعقیب نهادهای حاکمیتی بین المللی در گروهها، حوزه های کاربرد و زیر مجموعه های عملیاتی مرتبط در مقیاسهای ملی می باشد.

کمیته بین المللی المپیک^۳ به عنوان یکی از اصلی ترین نهادهای بین المللی حاکمیتی ورزش در خلال سمینار "خودمختاری جنبش المپیک و ورزشها" در فوریه ۲۰۰۸ اصول اساسی جهانی حکمرانی بهینه در جنبش المپیک و ورزشها را رسماً اعلام نمود (بیانیه کپنهاگ، ۲۰۰۸) که با توجه به نهاد گرا بودن این مدل (سامتی و رنجبر، ۱۳۹۰)؛ بدوا چارچوب مفهومی قابل اتکایی را برای سنجش وضعیت نقش سازمانهای ورزشی، با استفاده از ادبیات مشترک در توسعه و برقراری روابط بین المللی خود به دست می دهد.

با پیوستن رسمی IOC به نظام ملل متحد در قالب عضو ناظر مجامع عمومی سازمان ملل (سایت رسمی IOC ، ۲۰۰۹)، توصیه های تاکیدی این نهاد مرجع (با هدف گزاریهایی مشخص در قطعههای زمانی دوره ای) ؛ لزوم پیوستار و همگون سازی نظام حاکمیتی ملی ورزش را در هردو بخش دولتی و غیر دولتی افزون ساخت. { نظیر: "مصوبات دومین کنوانسیون جهانی ورزشهای المپیک - انجمن کمیته های ملی المپیک^۴ (ANOC، ۲۰۱۲) در توسعه مشارکت دولتها در تبیین سیاستهای عمومی ورزش " و " مصوبه مجمع عمومی IOC در نوامبر ۲۰۱۳ مبنی بر تضمین تکریم اصول حکمرانی بهینه و اخلاق در حکم بخشی از اصول اساسی المپیزم " و همچنین " توصیه تاکیدی ریاست کمیته بین المللی المپیک در به کار بستن اصول حکمرانی بهینه در جنبش المپیک و ورزشها و منظور شدن آن در دستور کار المپیک ۲۰۲۰ " و "تاکید موکد آن(حکمرانی بهینه) از مجرای پیمان ورزش^۵ به مجموعه فدراسیونهای بین المللی ورزشی^۶ " (کمیته ملی المپیک، ۲۰۱۶).

لذا مدل حکمرانی بهینه می تواند بعنوان یکی از مبانی معتبر در بررسی و ارزیابی وضعیت تعاملات ورزشی سازمانهای حاکمیتی ورزشی ملی که در تحقیق حاضر وزارت ورزش و جوانان (در بخش دولت) و کمیته ملی المپیک (در بخش غیردولتی) انتخاب شده اند؛ واقع گردد. علاوه بر این باید توجه داشت عمده سازمانهای ورزشی بین المللی، قاره ای و ملی نیز تاکنون با وضع سیاستها، راهبردها، قوانین و دستور العملها و درج در اسناد به این پیوستار ملحق شده اند.

در همین راستا در یکی از آخرین بررسیهای پایشی صورت پذیرفته توسط موسسه بین المللی توسعه مدیریت^۷ (IMD) در پروژه ای مشترک با کمیته بین المللی المپیک در جولای ۲۰۱۷، پژوهشی مروری بر نحوه نهادینه سازی اصول حکمرانی با نگاه بر ساختارها و روندهای حاکمیتی داشته که با پیش بینی و تشخیص مواردی از مسائل بغرنج و مشترک در سطح بین

2.Sustainable Development Goals

³.International Olympic Committee (IOC)

⁴.Association of National Olympic Committees (ANOC)

⁵.SPORT ACCORD

⁶.International (Sport) Federations (IFs)

2..International Institutue for Management Developent

المللی، ارزشهای قوی و موکد مورد تعهد سازمانها و به تبع آن مدیران ورزش را در بهره گیری از الگوی کیفی حکمرانی مطرح می نماید و مبتنی بر اهداف دستور کار ۲۰۲۰، تکامل و بلوغ سازمانهای ورزشی را در مواجهه و پذیرش این امر در سالهای پیش رو دانسته است. در این بررسی به غیر از تاکید بر انسجام سازمانهای ورزشی در ابعاد مختلف حکمرانی که به خودی خود و در بدو امر به کار آیی سازمانهای ورزشی می انجامد، پرداختن به این امر را بخشی از مسئولیت اجتماعی^۸ و اجرای ماموریتهای اجتماعی در مقیاسی بین المللی قلمداد کرده است.

با تفصیل فوق می بینیم که اصلی ترین نهاد حاکمیتی ورزشی در سطح بین المللی که خود عضویت ناظر در سازمان اصلی مولود جامعه ملل، یعنی سازمان ملل متحد را داراست در اتفاق و همراستایی با این نهاد الگوی اصول حکمرانی بهینه را در محیطهای ورزشی از سازمانهای خانواده المپیک گرفته تا توصیه هایی مبرز برای سازمانهای ورزشی بخشهای عمومی و دولتی ارائه نموده است که با فازهای مشخص برنامه ای تحقق و اجرایی شدن آن را دنبال می نماید. در این راستا سازمانهای بین المللی حاکمیتی، بالاخص در کشور های پیشرو و توسعه یافته همچون اتحادیه اروپا ضوابط و سیاستهای راهبردی مشخصی را در برنامه های حیطه جغرافیایی مشمول وضع و تا عرصه قانونگذاری به پیش برده و پیشبرد آن را منطبق با سیاستهای روز جهانی IOC رصد می نمایند. فراگیر بودن این روند گسترده تا آنجایی پیشرفته است که سازمانهای غیر دولتی و که حتی فاقد ارتباط رسمی ساختاری با نهاد اصلی بین المللی هستند بصورت خود جوش، داوطلبانه و با بهره گیری از مطالعات روز علمی دانشگاهی نسبت به احصاء شاخصای موکد در درونی سازی حکمرانی در بخش سازمانهای ورزشی غیر رسمی به پیش رفته اند و آنها را بعنوان معیارهای اجرایی قابل پایش در سازمانهای تاثیرگذار که بالقوه توان ایفای نقش تعاملی در فضای بین المللی ورزش دارند، جستجو می کنند. در چنین عرصه ای نمی توان با مسامحه و اغماض از فضای جریان دار ورزش در حوزه بین الملل رویگردان بود و امید توفیق و برتری و بازیگری در زوابط بین المللی داشت. لذا لازم است تا بدانیم در این عرصه کمابیش تعریف شده در کجا ایستاده ایم و مبتنی بر این الگو حوزه ملی چه محورهایی را می شناسد و چگونه بدان رسمیت بخشیده و عمل می کند.

برای دستیابی به این منظور بهره گیری از روش دلفی به عنوان روش سیستماتیک تحقیق برای استخراج نظرات گروه های متخصص در یک موضوع از طریق دوره های مصاحبه و پرسشنامه به روشی مناسب جهت پیش بینی و برآورد شاخص های ناشناخته و تعیین توافق صاحب نظران و اجماع نظرات تا مرحله استنتاج و تجمیع دانسته ها و تحلیل مورد صورت پذیرفته است. سوالات مصاحبه در مرحله اول دلفی عبارت بودند از: «عوامل موثر حکمرانی بهینه در ورزش چه هستند / میتوانند باشند؟»، «اولویت عوامل حکمرانی بهینه در ورزش چگونه است؟»

در مرحله دوم از نمونه های تحقیق درخواست شد تا خصایص و ماهیت های توصیف گر و حائز توجه در هر یک از عامل های یاد شده را جهت اجرایی سازی و تحقق عامل به ظن نظرات فردی اشاره نمایند. در مرحله سوم مولفه های برشمرده توسط کمیته ملی المپیک تحت عنوان "اصول بنیادین جهانی حکمرانی بهینه در جنبش المپیک و ورزش"، مورد ارائه، تایید و توصیه بیست و یکمین کنگره جنبش المپیک در بروکسل-۲۰۰۸ و نیز موارد توصیه شده در خلال مجمع عمومی انجمن کمیته های المپیک (ANOC) در آوریل ۲۰۱۲ در اختیار پرسش شوندگان قرار گرفت و سپس نظرات آنها بر محورهای

حکمرانی بر مبنای اصول بنیادین IOC احصا شد و عواملی که با توجه به شرایط ملی دیده نشده اند و یا در درجه پایین تری از اولویت قرار گرفته اند و قابلیت تحقق ندارند مورد تحلیل قرار گرفت. در مرحله چهارم دلفی، گویه های شناسایی شده که تعداد آن ها ۶۹ مورد بود بعد از چند مرحله رفت و برگشت در قالب مولفه هایی دسته بندی شده و به طور مجزا ارائه شدند. و پس از آن روایی گویه ها (از طریق روش لاوشه) و پایایی آن ها (باروش آلفای کرونباخ) مورد بررسی و تایید قرار گرفتند و برای استفاده در پرسشنامه عموم مورد توجه قرار گرفتند

سپس پرسشنامه ها در جامعه آماری $N=200$ توزیع گردید. و نهایتاً ۱۵۰ پرسشنامه تکمیل شده بدون نقص مورد تحلیل به روش تحلیل عامل تاییدی واقع شد. نتایج حاصله تحقیق نشان داد که هفت عامل شامل عوامل انسجام و استقلال درونی، حاکمیت قانون، مسئولیت پذیری، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و دموکراسی و انضباط به عنوان عوامل اصلی حکمرانی بهینه موثر در تعاملات ورزشی کارکرد دارند و تمامی گویه های مربوط به عوامل شناسایی شده در تعاملات ورزشی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک نقش دارند. همچنین، بین عوامل حکمرانی بهینه موثر در تعاملات وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک اولویت معنی داری وجود دارد ($\chi^2=78/58$, $Sig=0/01$)؛ به طوری که بالاترین اولویت مربوط به «انسجام و استقلال درونی» و پایین ترین اولویت مربوط به «انضباط» بود. در نهایت، نتایج نشان داد که همه عوامل شناسایی شده از مقدار T و بار عاملی قابل قبولی و مثبتی برخوردارند و عوامل حکمرانی بهینه موثر در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک محسوب می-شوند و با برازش مدل تدوین شده نیز مشخص شد که شاخص های برازش مدل از مقدار قابل قبول و مطلوب برخوردار بوده و مدل تحقیق تأیید می شود.

یافته های تحقیق

یافته های توصیفی

پس از تجزیه و تحلیل داده ها، یافته های توصیفی زیر به دست آمد:

۱. توصیف وضعیت نمونه های تحقیق بر اساس جنسیت نشان داد که ۳۷/۳ درصد از نمونه زن و ۶۲/۷ درصد مرد بودند.
۲. توصیف وضعیت نمونه های تحقیق بر اساس رشته تحصیلی نشان داد که رشته تحصیلی ۳۱/۳ درصد از نمونه تربیت بدنی و ۶۸/۷ درصد غیر تربیت بدنی بود.
۳. توصیف وضعیت نمونه های تحقیق بر اساس سن نشان داد که ۴۴/۰ درصد از نمونه ۴۱ تا ۵۰ سال بودند در حالی که ۸/۷ درصد بالای ۶۰ سال بودند.
۴. توصیف وضعیت نمونه های تحقیق بر اساس سابقه خدمت نشان داد که سابقه شغلی ۴۰/۷ درصد از نمونه ۱۱ تا ۱۵ سال بود در حالی که ۳۰/۷ درصد سابقه شغلی بالای ۱۵ سال داشتند.
۵. توصیف وضعیت نمونه های تحقیق بر اساس مدرک تحصیلی نشان داد که ۶۰/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی بودند در حالی که ۲۲/۷ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و ۵/۳ درصد دارای مدرک دکتری بودند.

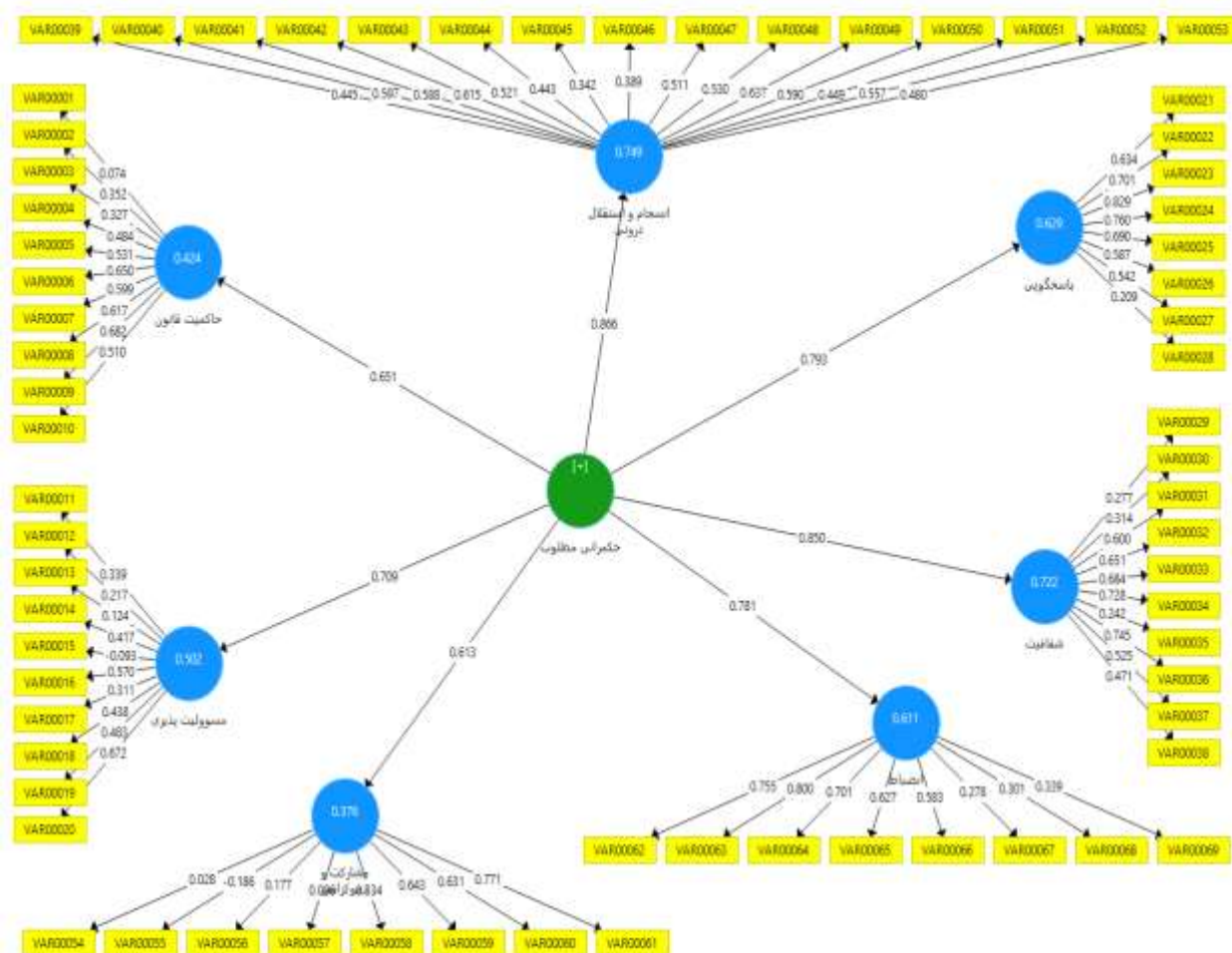
یافته های استنباطی

یافته های استنباطی به شرح ذیل بود:

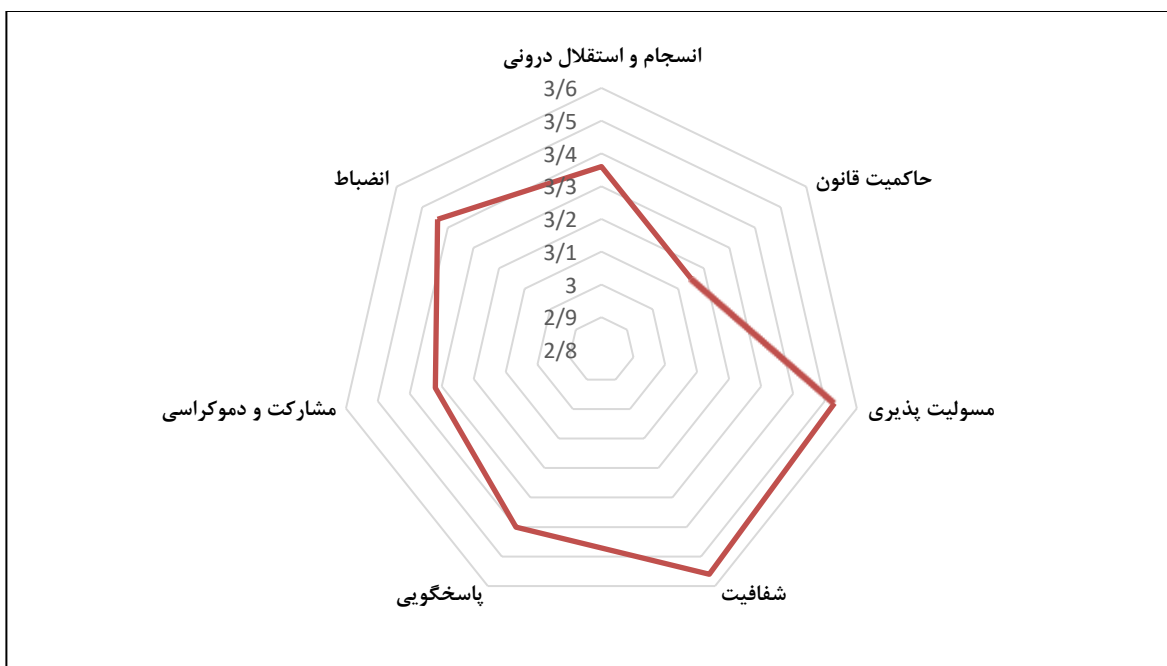
۱. نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنوف نشان داد که توزیع تمامی متغیرهای تحقیق طبیعی بود ($P > 0/05$).

۲. نتیجه آزمون فریدمن مربوط به سوال دوم تحقیق نشان داد که بین عوامل حکمرانی بهینه موثر در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک اولویت معنی داری وجود دارد ($\chi^2=78/58$, $Sig=0/01$)؛ به طوری که بالاترین اولویت مربوط به «انسجام و استقلال درونی» و پایین ترین اولویت مربوط به «انضباط» بود.

نتیجه تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به سوال سوم تحقیق نشان داد که همه عوامل شناسایی شده از مقدار T و بار عاملی قابل قبولی و مثبتی برخوردارند و عوامل حکمرانی بهینه موثر در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک محسوب می-شوند. همچنین باید توجه داشت که با توجه به بارهای عاملی به دست آمده، به ترتیب عوامل انسجام و استقلال درونی ($\lambda=0/866$)، شفافیت ($\lambda=0/850$)، پاسخگویی ($\lambda=0/793$)، انضباط ($\lambda=0/781$)، مسئولیت پذیری ($\lambda=0/709$)، حاکمیت قانون ($\lambda=0/651$) و مشارکت و دموکراسی ($\lambda=0/613$) به ترتیب از اهمیت و تاثیرگذاری بیشتری در ورزش کشور برخوردار هستند و گویه های هر مولفه نیز دارای بارهای عاملی متفاوتی به میزان مندرج در مدل بودند. با برازش مدل تدوین شده نیز مشخص شد که شاخص های برازش مدل از مقدار قابل قبول و مطلوب برخوردار بوده و الگوی تحقیق مورد تأیید واقع می شود.



مدل عوامل حکمرانی بهینه موثر در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک



بحث و نتیجه گیری

همانطور که پیشتر نیز بیان شد ضروری است که عوامل شناسایی شده مد نظر قرار گرفته و حکمرانی بهینه در سازمان های ورزشی کشور حکم فرما شود. در این راستا، انسجام و استقلال درونی بعنوان مهمترین عامل شناخته شد ($\lambda=0/۸۶۶$). از آنجا که در تعاریف بین المللی، سازمان های ورزشی همچون کمیته های ملی المپیک و فدراسیون های ورزشی سازمان هایی غیر دولتی تعریف شده اند، لذا حفظ استقلال سازمان های ورزشی کشور امری ضروری است و عدم توجه به این مساله می تواند عواقب ناگوار بین المللی همچون تعلیق فدراسیون های ورزشی و کمیته ملی المپیک را به دنبال داشته باشد که در این صورت، تعاملات بین المللی ورزشی وارد بحران خواهد شد و ورزش و ورزشکاران کشور نیز متضرر خواهند شد. در بررسی این عامل متغیر مکنون ضرورت اطلاع رسانی و آموزش تعاریف و مصادیق مورد پیگیری و لازم الرعایه نهادهای بین المللی (همچون کد اخلاق کمیته بین المللی المپیک /مبارزه با دوپینگ وادا و IOC) در حوزه ملی به جهت نافذ بودن تعاریف و مصداقهای آن بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص دادو پس از آن در رتبه دوم آزمودنی ها نشان دادند لازم است تا الزامات اجرایی مورد تبیین توسط نهادهای حاکمیتی ملی در سازگاری و هماهنگی با یکدیگر تعیین شوند. بنابراین لازم است که دولت و سایر نهادهای حکومتی در فعالیت ها و تصمیمات فدراسیون های ورزشی و کمیته ملی المپیک دخالت نکنند. و این موضوع در عین حال با ارتباط و همکاری دولت با کمیته ملی المپیک و فدراسیون های ورزشی در عین حفظ استقلال و تمامیت آنها صورت پذیرد تا همکاری و تعاملات بین مجموعه سازمان های ورزشی با دولت و سیاست های دستگاه متولی ورزش کشور بصورت همگرا و منسجم کارکرد متناسب خود را بروز دهد. در اولویت بعدی احصا شده متغیرهای این عامل ،حصول فهم دقیق از فعالیتهای وظیفه ای ارگانهای ملی با انتظارات بین المللی نهادهای حاکمیتی بین المللی ورزشی و تدوین منشورهای

سازمانی مبتنی بر این ملاحظات از جمله منشور اخلاقی با منظور داشتن قوانین ، ارزشها و فرهنگ سازمانی وظیفه ای محیط ملی مورد دغدغه و تاکید استنباط شد که نشان می دهد حتی برای عوامل و دست اندرکاران شاغل در وضعیت حاضر یکپارچگی لازم جهت به کار بستن این موارد محسوس نیست.

عامل دیگر شناسایی شده در اهمیت دوم شفافیت بوده است ($\lambda = 0/850$)،. شفافیت یکی از ابزارهای اصلی مبارزه با فساد به حساب می آید. وجود سیستم شفاف در سازمان های ورزشی از سویی باعث حفظ مشروعیت و مقبولیت سازمان و مدیران آن و برخورد با فساد در سازمان می شود و از سوی دیگر، می تواند از بروز فساد در سازمان جلوگیری نماید. این امر می تواند نقش پیشگیرانه در بروز اختلافات ، طرح شکایات و خروج مسائل از حوزه ملی و طرح در نهادهای بین المللی داشته باشد . بر این اساس، مواردی همچون تبیین شفاف وظایف، تکالیف واحدهای سازمانی منطبق با قوانین ملی و در ارتباط با خط مشی های عمومی حاکمیتی بین المللی ورزش، وضع ضوابط و مقررات داخلی مدیریتی ورزشی مشخصا در همراستایی با ضوابط ناظر بین المللی، تبیین شرایط کاندیداتوری نفرات حوزه ملی در پستها و مناصب بین المللی مبتنی بر توانایی و شایستگی ها، روندهای شفاف و مورد کنترل برای احراز شرایط انتخاب و ثبت نامزدی افراد در انتخابات، تعیین شفاف رویه های مالی می تواند راهگشا بوده و شفافیت عملکردها و تصمیمات سازمانی بیفزاید .

عامل حکمرانی بهینه شناسایی شده در رتبه بعدی بار عاملی موثر؛ پاسخگویی بود ($\lambda = 0/793$)،. بنا به تعاریف ارائه شده در منابع مدیریت ورزشی تعبیر متبادر از پاسخگویی به عنوان پاسخگویی بیرونی در ایفای نقش وظیفه مند کل افراد اعم از تصمیم سازان ، مسئولین و کارکنان اجرایی بعنوان نمایندگان سازمانی نسبت به برونداد نهایی سازمان یاد شد آنچه از عملکرد سازمان در این مفهوم انتظار می رود پاسخگوبودن مجموعه افراد نسبت به خروجی سازمان در برابر افراد ، شاکله ها و محیطهایی است به ترتیبی حق قضاوت در خصوص رفتار و عملکرد سازمانی را دارا هستند(مثال پاسخگویی کمیته ملی المپیک نسبت به IOC و یا پاسخگویی بالقوه وزارت ورزش و جوانان به مراجع داخلی دولت ، مجلس شورای اسلامی و یا مراجع بین المللی نظیر کمیته بین الدول تربیت بدنی و ورزش یونسکو⁹ و نیز مصوبات کنفرانس بین المللی وزرا و مقامات ارشد مسئول در امر تربیت بدنی و ورزش¹⁰). همراستا با این توصیف در متغیرهای پنهان این عامل نیز عینا بیشترین بارعاملی مربوطه، به این که مقامات ملی تنها خود را ملزم به پاسخگویی نسبت به قواعد و مراجع ملی می دانند شناسایی شد. این شناسه مجزا از بهره گیرندگان بعنوان ذینفعان اصلی است و نهادهای ناظر را شامل می شود . در پی آن لزوم پی گیری مستمر الزامات نظامهای حاکمیتی بین المللی در جهت تامین روند پاسخگویی متناسب در حوزه ملی گزارش شد . همچنین آزمودنی با تخصیص کمترین بار عاملی به موضوعیت پاسخگویی نمایندگان در مجامع بین المللی نسبت به مواضع سازمان ملی خود نشان دادند که در این بخش نیز عامل ضعفی را در دیپلماسی ورزشی و تامین قدرت لازم در عرصه های تصمیم سازی و بازیگری در نقش حکمروایی را تایید می نماید.

عامل انضباط در رتبه بعدی به لحاظ بارعاملی نسبت به سازه اصلی حکمرانی شناخته شد ($\lambda = 0/781$). به طور کلی می توان انضباط را وجود فضا و شرایط خاصی در سازمان تعریف کرد که کارکنان را ملزم می کند رفتاری معقول و مقبول را در چهارچوب قوانین و مقررات سازمان در پیش گیرند. وجود انضباط برای فعالیت تمامی گروه های سازمانی امری ضروری است. اعضای هر گروه

9. The Intergovernmental Committee for Physical Education and Sport (CIGEPS)- UNESCO

10. International Conference of Ministers and Senior Officials Responsible for Physical Education and Sport (MINEPS)

باید خود را به نحوی منطقی با کدهای رفتاری تدوین شده توسط مدیریت سازمان تطبیق دهند و از این طریق با اهداف سازمانی، سازگاری یابند. به همین خاطر است که این محور در اصول حکمرانی بهینه ارائه شده توسط کمیته بین المللی المپیک تحت مضمون ارتباط هماهنگی با دولتها مد نظر قرار گرفته و تحلیل شده است. در بین دیگر متغیرهای مکنون توصیفگر این عامل بالاترین رتبه به رعایت انضباط در تدوین و ارائه دستورات کار ملی به روز و هماهنگ با موضوعات مطرح نظام بین المللی ورزش در صدرانتخاب نفرات بود و پس از آن اعتقاد آزمودنی ها بر آن قرار گرفت که رعایت انضباط از سطح مدیران آغاز شده و سپس به زیر مجموعه تسری می یابد. کمترین میزان بار عاملی در تایید وجود مراجع قضایی صالحه و امکان استیناف هر عضو متأثر از تصمیمات انضباطی ورزشی بود.

عامل حکمرانی بهینه موثر بعدی در ورزش کشور مسئولیت پذیری شناخته شد ($\lambda = 0.709$). این عامل واجد شباهتهای بسیاری به پاسخگویی است، لکن مسئولیت پذیری ملزم به وجود سازمانها و فرایندها است (تعریف اسکاپ) و از آن به پاسخگویی درونی / داخلی نیز تعبیر شده است. مسئولیت پذیری به عنوان رفتاری در راستای اقدامات اصلاحی و جرمه سازی موارد سوء مدیریت محسوب می شود. مسئولیت پذیری به عنوان یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت هایی که بر عهده وی گذاشته شده است، منظور می شود. در بین گویه های معرف متغیرهای پنهان این عامل، بیشترین بار عاملی متوجه فقدان مسئولیت پذیری بدلیل جانمایی ناصحیح افراد و گماردن نفرات در سمتهای غیر منطبق با توانایی های فردی بود. این امر بالاخص در عرصه مشارکتهای بین المللی، بالاخص کسب کرسیهای بین المللی نمود داشته است. این مورد به خودی خود با کارایی سازمانی ارتباط مستقیم دارد. در پرسشگری بعمل آمده نشان داده شد که نا آگاهی نسبت به روندهای ملی در قبال رویه های بین المللی در کنار نبود سیستم پایشی و نظارتی لازم خود سبب ضعف در مسئولیت پذیری است. عدم مسئولیت پذیری در از بین رفتن انسجام ملی و به تبع آن تامین مصادیق مورد پایش حوزه بین المللی نیز نمود می یابد.

عامل مهم دیگری که به عنوان یکی از عوامل حکمرانی بهینه موثر در ورزش شناسایی شد، عامل حاکمیت قانون بود ($\lambda = 0.651$). قانون به وجه عام، وجه تفکیک زندگی مدنی از زندگی غیرمدنی انسانها است و در معنای خاص، دستور کلی (جزئی) است که به وسیله مرجع صالح انشا شده و به وسیله مجالس قانونگذار تصویب می شود. برقراری سیستم حکمرانی بهینه نیازمند چارچوب های قانونی عادلانه و منصفی است که از ویژگی بی طرفی برخوردار باشد. در این چارچوب باید از حقوق کلیه افراد مخصوصاً حقوق محرومان محافظت به عمل آید. این امر می بایست در دل ساختارها و نهادهای متولی نهادینه شود. حاکمیت قانون ضمانت اجرای قوانین را فراهم می نماید. حاکمیت قانون را می توان وجود زمینه های ذهنی و عینی برای تطبیق قانون و برتری قانون نسبت به تمام مراجع دیگر در جامعه تعریف کرد که در این مبحث، جامعه را سازمان ورزشی تشکیل می دهد. بنابراین، به منظور استقرار حکمرانی بهینه در سازمان های ورزشی کشور، لازم است که در درجه نخست، قانون بر تمامی فعالیت های سازمانی حاکم شود بررسی بعمل آمده در شناسایی متغیرهای نهفته در حاکمیت قانون نیز نشان داد اعتقاد عمومی بر آن است که بستر ضعیف قانونی امکان تحقق و نمود سایر عوامل حکمرانی بهینه همچون شفافیت، مسئولیت پذیری، پاسخگویی و انسجام را تضعیف می نماید و در این راستا تامین نمونه مصوب اساسنامه نهادهای حاکمه ورزشی در حوزه ملی و از جمله فدراسیونها و دسترسی به این قوانین و ضوابط بدوا در حوزه ملی و امکان اطلاع رسانی عمومی بالاخص آموزش آنها به کارکنان ضابط و افراد شامل بسیار پر اهمیت شمرده شد. از سوی دیگر عدم تسلط، اشراف و توانش ضابطین قانون در تفسیر قوانین حاکمیتی شامل بر محیط ملی از دلایل ضعف سازگاری با محیط بین المللی تفسیر گردید.

همچنین، در تبعیت از مدیریت مدرن دنیای کنونی، ضروری است که مدیران سازمان های ورزشی به سبک های مدیریتی مشارکتی و برقراری دموکراسی در این سازمان ها روی آورند تا با توجه کافی به نیازها، رویکردهای اخلاقی و منافع و مشارکت کلیه ذینفعان از هر حیث جنسیت، نژاد و مواردی نظیر آن داشته باشند تا افراد از حقوق خود محروم نمانده، بتوانند علاوه بر دستیابی به نتایج بهینه، زمینه بهبود تعاملات بین المللی ورزشی را نیز فراهم نمایند. ترکیب متناسب هیاتهای حاکمه از اتخاذ تصمیمات به نفع یا با تعصب به گروه/های خاص خواهد کاست. مشارکت و توجه به دموکراسی از اصول حکمرانی بهینه است (۶۱۳/۰λ).

برقراری دموکراسی و وجود محیط باز برای حضور نمایندگان جمیع گروههای ذینفعان، موجب ظهور ایده ها و افکار مختلف برای وضع سیاست های حوزه ملی منطبق با محورها و زمینه بهبود تعاملات بین المللی را فراهم می نماید. بدین منظور لازم است که هسته های مشورتی و کارگروههای تخصصی جهت مداخله و مشارکت نیروهای انسانی متخصص و ذینفعان در شاکله های تصمیم ساز امور مختلف ورزش تشکیل شده و قواعد رویه ای و حقوق اعضا برای مشارکت در حوزه های مشورتی به طور دقیق و روشن تعیین شود. موجودیت این عوامل از نظر آزمودنیها در حوزه ملی، کمترین درجه اهمیت را نشان داد. با به کار بستن این موارد انجام این امور حس مالکیت افراد و انحصارطلبی های سازمانی کاهش یافته و از موجبات تضعیف انسجام ملی و مشارکت در رویه های نظام های بین المللی جلوگیری می نماید. در این رابطه هر چند که فرهنگ عمومی سازمانی و دلایل عدیده اجتماعی عمدتا در مسیر مشارکت آزاد گروهها در تصمیم سازی عمومی معمولا بعنوان مانع عمل می کنند؛ لکن تحقق مردم سالاری و مشارکت عمومی ذینفعان در کنار اصل شایسته سالاری در مناصب کارگزاری و آموزش افراد مشاغل تخصصی در ترغیب به مشارکت بیشتر ذینفعان عاملی بود که در بین آزمودنی ها بیشترین توجه را معطوف خود نموده و می تواند این موانع را مرتفع کند. همچنین، لازم است تا تعدیل رویه های داخلی با منظور داشتن حق مشارکت ورزشکاران، گروه های خاص ذی نفعان همچون معلولین، بانوان و ... غیره تعمیم و نهادینه سازی شود.

منابع:

-احمدی، بهشت. یوسفی، بهرام. عیدی، حسین. (۱۳۹۷). حکمرانی خوب در ورزش: نقش سرمایه اجتماعی در ارتقاء آن. پژوهشگاه تربیت بدنی

-رضایی، علیرضا (۱۳۸۷). روندهای نظام بین الملل در هزاره سوم. وبلاگ دانش سیاست و روابط بین الملل

-ظریف، محمدجواد. سجادیپور، محمد کاظم. (۱۳۹۳). دیپلماسی چند جانبه (چاپ دوم). تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه

-مصفا، نسرين. (۱۳۹۳). نقد سازمان های بین المللی و حکمرانی جهانی (توماس جی وایس و رودرن).

-مهرابی، قاسم. (۱۳۹۶). طراحی مدل حکمرانی در فدراسیون های ورزشی. رساله جهت دریافت درجه دکتری در رشته مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی. دانشگاه تهران، پردیس البرز.

- EU Expert Group on Good Governance (2013) "Principles of Good Governance in Sports". EU Work Plan for Sport, 2011-2014
- International Olympic Committee (IOC) . "Good Governance". Committee of Ethics.
www.olympic.org
- UN Resolution adopted by General Assembly No.55/2(2000). United Nations Millennium Declaration. www.un.org/millennium/ declaration.
- United Nations Sport For Development and Peace(2005). International Development Sport Cooperation. Swedish International Cooperation Agency (SIDA). UN Department of Economic and Social Affairs. www.un.org

-